

## بررسی رفتار انزواطلبی

### کودکان در خانواده

#### • ارسالی از دفتر مشاوره و تحقیق

#### • رضانوری

#### قسمت آخر

تقریباً نیمی از دانش آموزان در دوران طفولیت دچار کم غذایی و یا بد غذایی بوده اند.

۳- به طور میانگین هر دانش آموز تقریباً ۲ بار به انواع بیماریهای کودک مبتلا شده است و حدود ۴۶ درصد از آنها در طول زندگی خود به یک بیماری سخت و شدید مبتلا شده اند و حدود ۲۴ درصد از آنها به علت این بیماری سخت در بیمارستان بستری شده اند.

۴- حدود ۴۲ درصد از دانش آموزان، یکی از اعضای اصلی خانواده آنها دارای انواع بیماریهای جسمی و یا روانی می باشند و در این میان حدود ۲۱ درصد از بدران مبتلا به انواع بیماریهای جسمی و روانی

\* تعداد قابل توجهی از دانش آموزان انزواطلب، بالاتر از سنین طبیعی خود در مدارس مشغول به تحصیل اند.

بوده اند.

#### • نوع روابط خانوادگی و نگرشهای تربیتی

۱- ۶۵ درصد از دانش آموزان در محیط خانواده بیشتر در تنهایی بر سر می برند و حدود ۴۷ درصد از آنها نیز در رقابت با خواهران و برادران اصولاً شرکت نمی کنند و ۷۴ درصد از آنها به طور انفرادی در محیط خانه مشغول بازی می شوند.

۲- ۵۴ درصد از دانش آموزان در محیط خانه از پدر و ۲۱ درصد از مادر می ترسند. ۴۰ درصد از پدر به عنوان فرد مسلط و ۴۰ درصد دیگر مادر را به عنوان فرد مسلط در خانواده معرفی کرده اند. در حدود ۶۸ درصد از دانش آموزان به وسیله مادران

خانواده و بقیه از فرزندان دیگر خانواده می باشند.

۵- حدود ۵۸ درصد از بدران بیش از هشت ساعت در بیرون خانه به کار اشتغال

\* بیشتر دانش آموزان انزواطلب دارای وضعیت تحصیلی مناسبی نیستند و تعداد قابل توجهی از آنها دارای عقب افتادگی تحصیلی هستند.

دارند (در منطقه ۱ حدود ۴۸ درصد و در منطقه ۲ حدود ۶۷ درصد)

۶- حدود ۳۷ درصد از بدران تغییر شغل داشته اند (در منطقه ۱ حدود ۳۱ درصد و در منطقه ۲ حدود ۴۳ درصد)

#### • وضعیت سلامت و رشد در خانواده

۱- نزدیک به ۴۰ درصد از دانش آموزان فرزند ناخواسته بوده اند و حدود ۲۶ درصد از آنها در دوران جنینی، مادرانشان به انواع ناراحتیهای جسمی، روانی و اعتیاد مبتلا بوده اند.

۲- حدود نیمی از دانش آموزان از شیر غیر مادر استفاده نموده اند و نیمی از آنها قبل از ۱/۵ سالگی نیز از شیر گرفته شده اند و حدود ۴۵ درصد آنها در دوره شیرخوارگی به طور دفعی و ناگهانی از شیر گرفته شده اند

□ سؤال چهارم: ساخت خانواده دانش آموزان انزواطلب چیست؟  
• مشخصات خانواده

بیشتر این خانواده ها در طبقات پایین تر از متوسط و یا نزدیک به متوسط می باشند. میانگین درآمد ۷۵ درصد از بدران دانش آموزان منزوی کمتر از درآمد متوسط جامعه است، شغل اکثر بدران (۷۶ درصد) آزاد، کارمند و کارگر است و اکثریت قریب به اتفاق مادران (حدود ۹۴ درصد) خانه دار می باشند. متوسط تعداد اعضای این خانواده ها نیز از متوسط جامعه کمی بیشتر است.

در کل جمعیت تحقیق حدود ۶۷ درصد از بدران و حدود ۷۳ درصد از مادران یا بی سواد و یا کم سواد (تحصیلات دوره ابتدایی) می باشند. بنابراین بیشترین این دانش آموزان دارای بدران و خصوصاً مادران بی سواد و یا کم سواد می باشند.

• سایر اطلاعات در این باره عبارتند از:

۱- حدود ۵۵ درصد از خانواده ها دارای مشکل تغییر محل سکونت بوده اند و میانگین تغییر محل سکونت برای هر خانواده تقریباً ۲ بار بوده است.

۲- ۴۵ درصد از خانواده ها میزان معاشرت خود را کم و حدود ۳۷ درصد میزان معاشرت خود را متوسط و تنها حدود ۱۹ درصد این میزان را زیاد عنوان نموده اند. حدود ۵۲ درصد از دانش آموزان به ندرت در این معاشرتهای خانوادگی شرکت دارند.

۳- حدود ۲۳ درصد از دانش آموزان بدران و حدود ۲ درصد نیز مادران خود را از دست داده اند.

۴- حدود ۳۲ درصد از دانش آموزان فرزند اول و حدود ۲۴ درصد فرزند آخر خانواده و در حدود ۱۸ درصد فرزند دوم

خود کنترل می شوند و حدود ۶۱ درصد به مادران خود وابستگی زیادی دارند و حدود ۶۲ درصد تنها با مادران خود مشورت می کنند و پدران در این موارد درصدهای کمی را به خود اختصاص داده اند.

۳- حدود ۴۶ درصد از مادران اظهار داشته اند که در تربیت فرزندان خود با پدران اختلاف نظر دارند و حدود ۵۴ درصد از مادران و پدران در رابطه با آینده دانش آموزان تاکنون صحبتی با هم نکرده اند.

۴- حدود نیمی از مادران یکی از فرزندان خود را نسبت به سایر فرزندان به خود نزدیکتر می دانند و حدود ۳۲ درصد آنها فرزند غیر از دانش آموز را به این عنوان

## \* یکی از عمده ترین مشکلات دانش آموزان مورد مطالعه، عدم اطلاع و شناخت کافی در تعامل با دوستان و معلمان و

معرفی نموده اند.

۵- حدود ۴۱ درصد از مادران اظهار داشته اند که رفتار دانش آموزان را به طور کامل کنترل می کنند و حدود ۳۲ درصد از آنها نیز چنین ابراز داشته اند که در رفتار با آنها محبت زیادی اعمال می کنند.

۶- حدود ۶۱ درصد از مادران میزان تشویق متوسط را برای دانش آموزان مطرح کرده اند و حدود ۵۵ درصد از مادران میزان تنبیه متوسط را برای دانش آموزان مطرح کرده اند. نقش تشویق کننده را در محیط خانه بیشتر مادران به عهده دارند (حدود ۵۴ درصد) و نقش تنبیه کننده را در محیط خانواده هم پدر و هم مادر بر عهده دارند (۳۹ درصد مادران و ۳۵ درصد پدران) حدود ۲۳ درصد از مادران نیز مطرح

کرده اند که در محیط خانه از شیوه کنک زدن در تنبیه فرزندانشان استفاده می کنند.

۷- حدود ۶۵ درصد از مادران متوجه هیچگونه تغییر جسمی و روانی دانش آموزان در رابطه با بلوغ نشده اند (در حالی که میانگین سنی آنها ۱۴ سال می باشد و اکثر آنها در بحواله بلوغ قرار دارند).

۸- خصوصیات شخصیتی و رفتاری بیشتر پدران نیز (با توجه به پرسشنامه شخصیتی که از آنها گرفته شد) پرخاشگرانه و خصمانه می باشد تا ازرواطلبانه.

## نتیجه گیری

در بیان برای آن که از این بحث

دیگران می باشد. به عبارتی آنها نمی دانند که چگونه باید با محیط و اطرافیان خود رابطه برقرار نمایند و نیاز به آموزش رفتار اجتماعی دارند.

جمع بندی داشته باشیم می توان در مجموع عوامل زیر را به عنوان عوامل مستعد کننده که در بروز اختلال رفتاری انزواطلبی نقش داشته اند معرفی نمود:

## الف: عوامل تحصیلی

- ۱- ناهمخوانی سنی و برخورداری از سن بیشتر در مقایسه با سایر همکلاسیها.
- ۲- تغییر محل تحصیل
- ۳- عدم احساس امنیت و آرامش خاطر در محیط کلاس
- ۴- ناتوانی در برقراری ارتباط فعال و دوستانه با سایر همکلاسیها و معلمان
- ۵- نداشتن وضعیت تحصیلی و درسی مناسب
- ۶- عدم شرکت در فعالیتهای فوق برنامه

مدرسه

## ب: عوامل خانوادگی

- ۱- فقدان پدر
- ۲- فقدان نقش فعال تربیتی پدران در محیط خانواده در تعامل و ارتباط با دانش آموزان (به علت مشغله زیاد، بیماری و...)
- ۳- خصوصیات شخصیتی پرخاشگرانه در پدران
- ۴- بیماری جسمی و روانی اعضای اصلی خانواده (خصوصاً پدران)
- ۵- ابتلا به بیماریهای متعدد دوره کودکی و بستری شدن در بیمارستان
- ۶- ناکامی ارضای تغذیه ای در دوره شیرخوارگی و طفولیت و کیفیت نامناسب از شیر گرفتن (دفعی گرفتن)
- ۷- ترتیب تولد فرزندان (فرزندان اول و آخر)
- ۸- کنترل و محبت بیش از حد در محیط خانواده (توسط مادران)
- ۹- وجود اختلاف نظرهای تربیتی والدین در رفتار با دانش آموزان
- ۱۰- استفاده از روش تنبیه و تشویق به یک اندازه در محیط خانه و استفاده از تنبیه بدنی
- ۱۱- تبعیض قائل شدن بین فرزندان (توسط مادران)
- ۱۲- تغییر محل سکونت
- ۱۳- ناراحتیهای جسمی و روانی دوران قبل از تولد (دوران بارداری مادران)
- ۱۴- بی توجهی خانواده نسبت به تغییرات مهم رشد (خصوصاً در دوران بلوغ)

## ● پیشنهادها

- ۱- از آنجایی که تحقیق و پژوهش اساس حیات و شکوفایی هر جامعه ای را تشکیل می دهد و هر برنامه ریزی لزوماً می بایست بر پایه تحقیق و پژوهش بنا شود تا از پشتوانه کافی در اجرا برخوردار باشد و چون این نیاز خصوصاً در علوم انسانی و برنامه ریزیهای فرهنگی و تربیتی بیشتر به

چشم می خورد بنابراین لازمست که کلیه مؤسسات فرهنگی و آموزشی کشور نظیر دانشگاهها، آموزش و پرورش، وزارت ارشاد اسلامی، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، وزارت آموزش و بهداشت و درمان پزشکی و... تحت یک نظام واحد و هماهنگ، امکانات یا نیروی انسانی و بودجه لازم را در خدمت برنامه های تحقیقات مرتبط با مشکلات و معضلات روانی، اجتماعی و تربیتی جامعه قرار دهند. در این میان آموزش و پرورش که دربرگیرنده حساس ترین دوران رشد می باشد و وظیفه شکوفا نمودن کودکان و نوجوانان جامعه را بر عهده دارد باید بیشترین تلاش و پیگیری را در این جهت بنماید.

۲- آموزش خانواده ها به لحاظ دانش تربیتی و روانشناسی از اساسی ترین و جدی ترین اقداماتی است که در جامعه ما می بایست به مرحله عمل درآید و بی تردید باید گفت که علی رغم همه فعالیت هایی که در جامعه اسلامی ما در این رابطه صورت گرفته است ولی هنوز اقدام مهم و برنامه ریزی شده ای برای هدایت تربیتی خانواده ها (پدر و مادر) صورت نگرفته است و این نهاد مهم اجتماعی که رکن و پایه هر جامعه ای را تشکیل می دهد هنوز پایه و اساس بسیاری از مشکلات رفتاری را در کودکان و نوجوانان فراهم می آورد. پیشنهاد می شود در این خصوص مراکز مشاوره خانواده ای تشکیل شود که همه ارگانها و افراد ذیربط از قبیل روحانیت و مساجد، آموزش و پرورش، انجمن اولیا و مربیان، رادیو و تلویزیون، وزارت آموزش و بهداشت و درمان پزشکی و... در اداره و برنامه ریزی آن سهم باشند تا وحدت و همگونی لازم در سیاست های تربیتی به وجود آید و خانواده ها خصوصاً از بدو تشکیل مورد آموزش و هدایت تربیتی قرار گیرند.

۳- برای آن که بتوان به طور جامع و

دقیق تر درباره گوشه گیری و انزواطلبی کودکان و نوجوانان بحث نمود لزوماً می بایست این تحقیق در سراسر کشور و در سطح استانهای دیگر کشور (غیر از تهران) نیز انجام گیرد تا بهتر بتوانیم به طور مقایسه ای در این باره به بحث و گفتگو بپردازیم.

خصوصاً از آنجایی که در بروز اختلالات رفتاری و مشکلات تربیتی عوامل مختلفی دست اندرکار هستند، بنابراین لازم است که پژوهش های دیگری در زمینه ساخت مدرسه، ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه، الگوهای تلویزیون، گروه همسالان و... به گونه ای عمیق تر صورت گیرد تا مشکلات رفتاری را در ابعاد مختلف آن مورد نظر قرار داده باشیم.

۴- به نظر می رسد که یکی از

### پیمیانگین درآمد ۷۵ درصد از پدران دانش آموزان منزوی کمتر از درآمد متوسط جامعه است.

عمده ترین مشکلات دانش آموزان مورد مطالعه، عدم اطلاع و شناخت کافی در تعامل با دوستان و معلمان و دیگران می باشد. به عبارتی آنها نمی دانند که چگونه باید با محیط و اطرافیان خود رابطه برقرار نمایند و نیاز به آموزش رفتار اجتماعی دارند. ولی متأسفانه محیط آموزشی و مدارس ما با نظام و سیستمی که دارند این امکان را کمتر می توانند فراهم کنند تا دانش آموزان به این شناخت نایل گردند و تعامل اجتماعی لازم را برقرار نمایند. در مدارس ما، ارتباط بین معلمان و دانش آموزان بیشتر در محیط کلاس صورت می گیرد، محیط کلاس برای کسانی که از حیث رفتار اجتماعی و تعامل با دیگران دارای مشکلاتی می باشند کمتر این امکان را فراهم می کند تا برخورد اجتماعی و ارتباطات اجتماعی را

فرا گیرند. بنابراین با تغییر سیستم و نظام آموزشی کنونی این امکان باید به خوبی فراهم گردد تا دانش آموزان و معلمان و مربیان در فضای تربیتی و محیطی دوستانه و آزاد بهتر بتوانند با یکدیگر تعامل و ارتباط لازم را برقرار نمایند و خصوصاً برنامه های پرورشی و هنری و ورزشی باید از صورت فوق برنامه بیرون آیند و در متن برنامه های آموزش و پرورش و به صورت برنامه های محوری مورد توجه قرار گیرند.

۵- با توجه به این قشر عظیمی که آینده سازان این جامعه اند در آموزش و پرورش مشغول به تحصیل هستند و مشکلات رفتاری آنان باید با اهمیت خاصی مورد توجه قرار گیرد، بنابراین می بایست هسته های مشاوره تربیتی که به عنوان هسته های تخصصی در برخورد با این مشکلات در مرکز هر استان تشکیل شده اند هم به لحاظ ساختار تشکیلاتی و هم به لحاظ امکانات و نیروی انسانی و هم به لحاظ دانش و تخصص تربیتی و روانشناسی به طور جدی تقویت گردند تا با بضاعت و توانایی لازم بتوانند مشکلات رفتاری دانش آموزان را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. خصوصاً آن که این هسته ها باید پایگاه های تحقیقات تربیتی در سطح آموزش و پرورش هر استان در نظر گرفته شوند.

۶- وجود مربیان مشاور در مدارس که از تخصص کافی برخوردار باشند، امری ضروری است. باید از کلیه امکانات دانشکده های تربیتی و روانشناسی دانشگاه های کشور بهره گرفت تا امر مشاوره علمی تر و دقیق انجام پذیرد.

۷- معلمان مدارس به دلیل تماس نزدیک با دانش آموزان، بهترین بازو و باری گر مشاوران در گره گشایی و حل مشکلات رفتاری هستند و باید در کنار مسائل آموزشی به مسائل تربیتی هم توجه بیشتری بنمایند.